



بررسی و ارزیابی حس مکان (نمونه موردی مسجد شیخ لطف الله)

چکیده

حس مکان^۱ یک احساس عمیق درونی بین انسان و مکان است که بودن انسان را در آن مکان تعریف می کند همچنین پدیدار مکان را نیز گشوده و نمایان می سازد. در این تجربه انسان چیزی فراتر از خصوصیات فیزیکی مکان را احساس می کند و می تواند پیوستگی خود با روح مکان را احساس کند. هستی انسان بی چون و چرا و به طور انکار ناپذیری فضایی، محیطی و معمارانه است و از این رو از حس مکان غیر قابل تفکیک است. این پژوهش به جستجوی حس مکان و عوامل به وجود آورنده آن و تأثیر این حس بر احساس و رفتار افراد استفاده کننده از مکان پرداخته و آنچه حاصل شده در مسجد شیخ لطف الله به عنوان مورد پژوهشی کاربست یافته. شیوه پژوهش کیفی است. نتایج نشان می دهد مهمترین عامل حس مکان در مسجد شیخ لطف الله سیر از ظاهر به باطن یا به عبارت دیگر آمیختگی عمیق عناصر کالبدی با معانی است که موجب برقراری ارتباط عمیق درونی و دو جانبه بین بنای مسجد و استفاده کننده از بنا می شود. این ارتباط موجب بالاترین سطوح حس مکان در مسجد شیخ لطف الله شده است.

واژه‌های کلیدی: حس مکان، روح مکان، عوامل حس مکان، معانی، مسجد شیخ لطف الله.

^۱ Sense of place



۱- مقدمه

به حس کلی که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد به وجود می آید حس مکان نامیده می شود که عاملی مهم در هماهنگی فرد و محیط، باعث بهره برداری بهتر از محیط، رضایت استفاده کنندگان و در نهایت احساس تعلق آنها با محیط و تداوم حضور در آن می شود. یکی از نقش های مهم معماری تحقق عینی حس مکان است به گونه ای که از طریق چنین حسی فضای انتزاعی به مکانی ملموس تبدیل شود و شخصیت خود را به دست آورد (لینچ، ۱۵، ۱۳۵۰). در این مقاله سعی شده پاسخهایی برای این پرسش ها باشد که حس مکان چیست؟ چه عواملی حس مکان را به وجود می آورند؟ و در پی ایجاد حس مکان چه مفاهیمی به وجود می آید؟ در این راستا ارتباط مسجد شیخ لطف الله با استفاده کنندگان آن بررسی شد.

۲- روش پژوهش

این پژوهش ابتدا با تکیه بر منابع معتبر و مرتبط با موضوع و با تکنیک مطالعات کتابخانه ای مقوله ی حس مکان را مورد بررسی قرار داده است. همچنین برای شناخت معانی و مفاهیم ادراک شده توسط استفاده کنندگان از مکان پژوهش تجربی صورت گرفته است. در این راستا تعداد ۳۰ پرسشنامه در بین توریستان ایرانی و غیر ایرانی با رعایت اصول آمارگیری صحیح و به طور تصادفی جهت جمع آوری اطلاعات مورد نظر از نمونه موردی، مسجد شیخ فطف الله ارائه شد. گروه جنسی متفاوت و شامل مرد و زن به تعداد تصادفی است، گروه سنی شامل جوانی تا میانسالی میباشد. ملیت پاسخ دهندگان نیز متفاوت بوده و شامل ایران، ایتالیا، فرانسه، اسپانیا، آلمان، بحرین، روسیه و... می باشد. پاسخ سوالات نشان دهنده سطح حس مکان، عوامل موثر بر آن و نیز تاثیر آن بر استفاده کنندگان از این مکان است.

نمونه موردی، مسجد شیخ لطف الله شیخ لطف الله یکی از نفیس ترین آثاری است که از زمان صفویه در اصفهان به جای مانده است و همچون جواهری درخشان در تاریخ معماری ایرانیان می درخشد این مسجد بی نظیر در ضلع شرقی میدان نقش جهان و در مقابل کاخ عالی قاپو واقع شده است. شاخصه هایی در این مسجد دیده می شود که در زمان خود کم نظیر بود لویس ای کان، معمار برجسته جهانی در بازدیدی که از اصفهان داشت در رابطه با شیخ لطف الله عنوان کرده -- من فقط در عالم خیال و با جوهری از طلا و نقره می توانم چنین اثری را تصور کنم پروفیسور پوپ در کتاب بررسی هنر ایران نوشته است: -- به سختی می توان این اثر را محصول دست بشر دانست -- و نیز در جایی دیگر بیان کرده: -- کوچکترین نقطه ضعفی در این بنا دیده نمی شود، اندازه ها بسیار مناسب، نقشه طرح بسیار قوی و زیبا و به طور خلاصه توافقی است بین یک دنیا شور و هیجان و یک سکوت و آرامش باشکوه که نماینده ذوق سرشار زیباشناسی بوده و منبعی جزایمان مذهبی و الهام آسمانی نمی تواند داشته باشد (هنر فر، ۱۳۴۴)

۳- مفهوم مکان

مکان صیغه ی اسم ظرف است به معنای بودن و بودن خود به معنای " وجود هستی " و " هستی داشتن " همچنین گذراندن عمر و " زندگی کردن " نیز معنی میشود. یکی دیگر از معانی بودن، دواقع شدن و روی دادن است (دهخدا، ۱۳۷۳). بدین ترتیب می توان اینگونه تفسیر کرد که مکان خود به معنای جایی برای جاری شدن رویدادها و وقایع به منظور زندگی کردن است و همچنان که



ارتباط نزدیکی با هستی و حیات دارد، هستی بخش نیز باشد. مشخصه مکان خاصتر بودن آن نسبت به فضا و محیط در نتیجه در هم تنیدگی آن با ارزش های انسانی است. ظاهرا در درون بودن، هدف اولیه و متعاقب مفهوم مکان است. یعنی دور بودن از آن چیزی که در بیرون قرار دارد (پرتوی، ۱۳۸۲).

۴- مفهوم حس مکان

از نگاه پدیدار شناسان حس مکان به معنای مرتبط شدن با مکان به واسطه درک نمادها و فعالیت های روزمره است. این حس می تواند در مکان زندگی فرد به وجود آمده و با گذر زمان عمق و گسترش یابد. ارزش های فردی و جمعی بر چگونگی حس مکان تأثیر می گذارد و حس مکان نیز بر ارزش ها، نگرش ها و به ویژه رفتار فردی و اجتماعی افراد در مکان تأثیر می گذارد (Relph, 1976).

حس مکان به معنای ویژگی های غیرمادی یا شخصیت مکان است که معنایی نزدیک به روح مکان^۲ دارد، از لحاظ تاریخی روح مکان برای برپایی جشن و مراسم مذهبی به کار برده می شد، جایی که این اعمال و مراسم در آن اتفاق می افتاد خود تبدیل به مکان ویژه ای می گردید و این احساس احترام یکی از مشخصه های مکان بود که آن را از سایر مکان ها متمایز می کرد و روح مکان نامیده می شد، ارکان آن آگاهی زنده و پویا از محیط، یک تکرار بینی و مذهبی و یک احساس رفاقت و دوستی بامکان بود (Brinckerhoff, 1994). بعضی از مکان ها آن چنان احساسی از جاذبه دارند که به فرد نوعی احساس وصف نشدنی القا کرده و او را سرزنده، شاداب و علاقه مند به بازگشت به آن مکان ها می کنند که حس مکان نامیده می شود. (فلاح، ۱۳۸۴)

از نظر رلف^۳ حس مکان مفهوم مشخصی نیست که بتوان تعریف دقیقی برای آن ارائه داد، بلکه باید با آزمون روابط میان مکان و پایه های پدیدارشناختی جغرافیا سنجیده و ارزیابی شود (Brinckerhoff, 1976). از دید او معنای اصلی مکان فراتر از عملکردهایی است که مکان تأمین می کند، بالاتر از اجتماعی است که آن را اشغال می کند و ورای تجارب مصنوعی و دنیوی مکان است. اگر چه همه این موارد جنبه های لازم مکان هستند، اما ماهیت مکان در تجربه، یعنی از جهت التفات ناخودآگاهانه به مکان، است که مکان را به مثابه مرکزی پرمحتوا و عمیق از هستی و وجود بشر تعریف می کند (Seamon ۱۹۹۶)، این کیفیت خاص درون یک مکان قرار گرفتن^۴ است.

در پدیدار شناختی مکان، تجربه اصلی ترین رکن در ادراک است. تجربه پدیدار شناختی به معنای تطهیر ذهنی و دست یابی به ذات چیزها به واسطه نمود اشیا از خلال فرد است که در حس مکان مؤثر می باشد. آلن گاسو^۵ این تجربه عمیق را عاملی می داند که هر موقعیت فیزیکی و محیطی را به یک مکان تبدیل می نماید. یک مکان قطعه ای از محیط است که توسط حس ها بیان شده و همین حس است که شناخت بهتری از طبیعت مکان به ما می دهد. در عمیق ترین سطح های آگاهی انسان، ناخودآگاهی وجود دارد که با مکان همراه شده است، این مکان است که ریشه های انسان در آن نهفته است و مرکزی از سلامت، امنیت، ارتباط و در نهایت نقطه ای از جهت گیری است تجربه مکان، فردی و ذهنی است که انسان در آن با خیلی از افراد هم احساس می شود و این هم احساسی که در واقع حضور فیزیکی شخص در مکان و تجربه ناخودآگاه آن است، حس مکان نامیده می شود (Gussow in

² Genius loci (Soul or spirit of place)

³ E. Relf

⁴ Existential incidents

⁵ Alan Gasv



Relph, 1976). از دیدگاه روان شناسی محیطی انسان ها به تجربه حسی، عاطفی و معنوی خاص نسبت به محیط زندگی نیاز دارند. این نیازها از طریق تعامل صمیمی و نوعی همذات پنداری با مکانی که در آن سکونت دارد قابل تحقق است. این تعامل صمیمی و همذات پنداری، روح یا حس مکان نامیده می شود. (فلاح، ۱۳۸۴، ۵۹) از نظر روانی حس مکان کاتالیزوری است که باعث تبدیل شدن یک محیط به یک مکان می شود، روند تجربه عمیق مکان نه به عنوان یک شیء بلکه به عنوان یک آرگانیزم زنده است که بعد از انطباق های متقابل پی درپی محقق می شود، از این رو روابط بین افراد و مکان ها نیازمند ثباتی خاص است عاطفه و معنا و تجربه، مهم ترین مباحث مطرح شده درباره حس مکان هستند. (فلاح، ۱۳۸۴، ۶۰)

محیط یا یک فضای خاص اطلاق می شود و از لحاظ هویتی، تعلق مکانی رابطه تعلق و هویتی فرد به محیط اجتماعی است که در آن زندگی می کند. در واقع دل بستگی به مکان رابطه نمادین ایجاد شده توسط افراد به مکان است که معانی احساسی، عاطفی و فرهنگی مشترکی به یک فضای خاص می دهد. دل بستگی به مکان مبنایی برای درک فرد و گروه نسبت به محیط است و معمولاً در محیطی فرهنگی به وجود می آید. بنابراین تعلق به مکان، چیزی بیش از تجربه عاطفی و شناختی بوده و عقاید فرهنگی مرتبط کننده افراد به مکان را نیز شامل می شود (Altman & Low, 1992). چگونگی تجربه مکان نیز از عوامل مؤثر در حس مکان است. چنان که فریتز استی^۶ حس مکان را تجربه ای چون هیجان و انبساط خاطر در یک قرارگاه رفتاری خاص می داند و معتقد است که این روح مکان یا شخصیت فضا است که این احساسات خاص را بر می انگیزد.

۱-۴ سطوح مختلف حس مکان

همان گونه که بررسی ها نشان داد حس مکان سطوح مختلف دارد، هیومن^۷ پنج گونه حس مکان را معرفی کرده است (Hummon, 1992) که عبارت از ریشه داری عقیدتی، ریشه داری ناخود آگاه، مکان نسبی، بیگانگی با مکان و بی مکانی است. جنیفر کراس نیز به تبعیت از هیومن حس مکان را ترکیبی از رابطه با مکان و حس حضور در اجتماع تعریف می کند. او رابطه با مکان را به صورت زندگی نامه ای، معنوی، عقیدتی، روایتی، مادی و وابستگی دسته بندی می کند، که با عواملی مانند هویت، درونیت و رضایتمندی پنج سطح مختلف (Cross, 2001) شامای برای حس مکان سه مرحله اصلی تعلق به مکان، دل بستگی به مکان و تعهد به مکان را با هفت سطح تعیین می کند. این سطوح از حس مکان، کاربرد فرایند حس مکان را نشان می دهند که از بی تفاوتی تا حس فداکاری نسبت به مکان را به ترتیب زیر شامل می شود: (Shamai, 1991)

۱- بی تفاوتی نسبت به مکان: این سطح معمولاً در ادبیات حس مکان مورد توجه واقع نمی شود ولی می تواند در سنجش حس مکان مورد استفاده قرار گیرد.

۲- آگاهی از قرار گیری در یک مکان: این سطح هنگامی است که فرد می داند که در یک مکان متمایز زندگی می کند و نمادهای آن مکان را تشخیص می دهد ولی هیچ احساسی که او را به مکان متصل کند، وجود ندارد. در این حالت فرد ممکن است بداند که در یک مکان مستقر است ولی نمی داند که بخشی از آن مکان است. در این سطح آگاهی از مکان فراتر از یک آدرس یا موقعیت نیست.

۳- تعلق به مکان: در این سطح فرد نه تنها از نام و نمادهای مکان آگاه است، بلکه با مکان احساس بودن و تقدیر مشترک داشتن نیز دارد، در این حالت نمادهای مکان محترم و آن چه برای مکان رخ می دهد، برای فرد نیز مهم است.

⁶ Fritz Stee

⁷ Hummon



اولین همایش سراسر مباحث کلیدی در مهندسی عمران، معماری و شهرسازی ایران کرگان، ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۹۵

۴- دل‌بستگی به مکان: در این سطح فرد ارتباط عاطفی پیچیده با مکان دارد مکان برای او معنا دارد و مکان محور فردیت است و تجارب جمعی و هویت فرد در ترکیب با معانی و نمادها به مکان شخصیت می دهد، در این حالت بر منحصر به فرد بودن مکان و تفاوت آن با دیگر مکان ها تأکید می شود.

۵- یکی شدن با اهداف مکان: این سطح نشان دهنده در آمیختگی و پیوستگی فرد با نیازهای مکان است. در این حالت فرد اهداف مکان را تشخیص داده، با آنها منطبق شده و از آنها پیروی می کند، در فرد شور، عشق، حمایت و از خود گذشتگی نسبت به مکان وجود دارد.

۶- حضور در مکان: این سطح به نقش فعال فرد در اجتماع که علت آن تعهد به مکان است، توجه دارد. در مقابل تمامی سطوح قبل که مبنای نظری داشتند، این سطح و سطح بعدی از رفتارهای واقعی افراد برداشت می شود. فرد معمولاً این سطح را به طور ضمنی با سرمایه گذاری منابع انسانی مثل زمان، پول و غیره نشان می دهد.

۷- فداکاری برای مکان: این سطح بالاترین سطح حس مکان است و فرد عمیق ترین تعهد را نسبت به مکان دارد و فداکاری های زیادی در جهت گرایش، ارزش ها، آزادی ها و رفاه در موقعیت های مختلف از خود نشان می دهد. در این سطح آمادگی برای رها کردن علایق فردی و جمعی به خاطر علایق بزرگتر نسبت به مکان وجود دارد. از نظر رلف عمیق ترین سطح وابستگی به مکان به صورت ناخودآگاه به وجود می آید و طی آن انس و آشنایی با مکان از بخش هوشیار آگاهی محو می شود. رلف این وابستگی را ریشه داری می نامد. او هفت درجه از بیرونیت و درونیت را برای حس مکان، بیان می کند (Relph, 1976)

بررسی پرسشنامه ها نشان می دهد که اکثر افراد توانسته اند ارتباطی عمیق با مسجد شیخ لطف الله را تجربه کنند. در این ارتباط دیگر جنسیت، ملیت، میزان تحصیلات و سن در میان نیست، بنا با سکوت خود با همه سخن می گوید و اگر ما نیز سکوت کنیم سخن او را میشنویم، این ارتباط و تغییر حال و دریافت ها نشان دهنده سطح بالایی از حس مکان در این مسجد است. همچنین بررسی پرسشنامه ها نشان می دهد استفاده کنندگان از مسجد شیخ لطف الله تا سطح ششم از هفت سطح تعریف شده شامای را تجربه کردند.

۲-۴ عوامل شکل دهنده حس مکان

معانی و مفاهیمی که پس از ادراک مکان توسط فرد رمزگشایی می شود از عوامل ایجاد حس مکان هستند. در این صورت حس مکان تنها به معنای یک حس یا عاطفه یا هرگونه رابطه با مکانی خاص نیست، بلکه نظام و ساختاری شناختی است که فرد با آن به موضوعات، اشخاص، اشیا و مفاهیم یک مکان احساس تعلق پیدا می کند. از این رو افراد بدون حس مکان قادر به زندگی در محیطی خاص نیستند، چرا که حس مکان توانمندی فضا یا مکان در ایجاد حسی خاص نسبت به کلیت مکان است و با این حس، مکان رابطه فرد با تمامی مفاهیم، اشخاص و سایر موضوعات موجود در آن مکان را تأمین می کند. (فلاح، ۶۲، ۱۳۸۴) در این مفهوم، حس به معنای احساس مرحله قبل از ادراک نیست بلکه به معنای عاطفه یعنی مرحله پس از شناخت است. به این ترتیب مکان ها در افراد مختلف حس های متفاوتی ایجاد می کنند و نقش شخصیت و تجارب گذشته انسان ها در دریافت این حس مؤثر است. فضایی که در فرد حس مکان و تعلق ایجاد می کند دیگر برای او فضا نیست و تبدیل به یک مکان می شود. (فلاح، ۶۳، ۱۳۸۴)

تعلق به اجتماع نیز از عوامل مؤثر در ایجاد حس مکان است چنان که هیومن حس مکان را شامل تعلق به اجتماع و حس محلی تعریف کرده است. از نظر او حس مکان ادراک فردی مردم از محیط خود و احساسات کم و زیاد آگاهانه آنها از آن محیط است.



اولین همایش سراسر مباحث کلیدی در رگان، ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ مهندسی عمران، معماری و شهرسازی ایران

حس مکان شخص را به گونه ای با محیط پیوند می دهد که فهم و احساس انسان با زمینه معنایی فریتز استیل محیط به یک پارچگی می رسد (Hummon, 1992) معتقد است حس مکان هر محیط بستگی به نحوه ارتباط انسان با آن محیط دارد از نظر او (Steele, 1981):

۱- رابطه انسان و مکان تعاملی است، یعنی انسان ها چیزهای مثبت یا منفی را به محیط می دهند و سپس از آن می گیرند. بنابراین چگونگی فعالیت های مردم در کیفیت تأثیر محیط بر آنها اثر گذار است.

۲- تصور مکان نه فقط کالبدی، بلکه روانی یا تعاملی است و حس مکان به عنوان یک تجربه از ترکیب یک مکان رفتار و آن چه انسان به آن می دهد، به وجود می آید، به بیان دیگر برخی از چیزهایی که انسان در مکان ایجاد می کند، بدون او و مستقل از او به وجود نمی آیند.

۳- برخی از فضاها آنچنان روح مکان قوی دارند که بر انسان های مختلف تأثیرات مشابه می گذارند. (فلاح، ۶۳، ۱۳۸۴). از نظر فریتز استیل مهم ترین عوامل کالبدی مؤثر در ادراک و حس مکان، اندازه مکان، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری است. (Steele, 1981) او همچنین خصوصیات نظیر هویت، تاریخ، تخیل، راز و رمز، لذت، شگفتی، امنیت، سرزندگی، شور و خاطره را موجب برقراری رابطه متمرکز با مکان می داند. از نظر نوربرگ شولتز حس مکان در مکان هایی یافت می شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز هستند و شخصیت محیطی از چیزهای ملموس ساخته شده که دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ است (Norberg-Schuls, 1997) همچنین از نظر لینچ نیز حس مکان عاملی است که میان انسان و مکان ارتباط برقرار کرده و وحدت به وجود می آورد و فضا باید هویت قابل ادراکی داشته باشد و قابل شناسایی و به یاد ماندنی و نمایان باشد تا حس مکان ایجاد کند. این نوع حس مکان می تواند احساس تعلق نیز به همراه داشته باشد (لینچ، ۱۳۷۶)

۵- نتیجه

حس مکان ناشی از یک ارتباط عمیق درونی و دو جانبه بین انسان و مکان است، این دو برای یکدیگر لازم و ملزوم هستند. این ارتباط در قالب تجربه و با گذر زمان امکان پذیر است. با حضور در یک مکان همانطور که جسم انسان با کالبد مکان (جسم مکان) از طریق حواس خود ارتباط پیدا می کند، روح انسان نیز نیازمند ارتباط با بعد معنایی مکان یعنی همان روح مکان می باشد، این ارتباط نتیجه ی تعاملی صمیمی و نوعی همذات پنداری با محیط است. در واقع انسان در مکان با لایه های دیگر وجود خود که به نوعی دیگر در عالم خارج (مکان) وجود دارد آشنا می شود و شناخت او از مکان، جهان هستی و خویشتن افزایش می یابد. نتایج نشان می دهد مهمترین شاخصه تأثیر گذار بر احساس و رفتار استفاده کنندگان در مسجد شیخ لطف الله شاخص نشان ها و معانی است این شاخص در حد کمال با عناصر کالبدی در هم آمیخته به گونه ای که شخص در این فضا نه تنها شاهد سیر عناصر کالبدی مسجد از ظاهر به باطن است بلکه در نتیجه ارتباط عمیق و درونی با مسجد این سلوک را در خود نیز احساس می کند. بنابراین افراد احساس یکی شدن با مکان را در خود تجربه می کند. همچنین حس تعهد و فداکاری برای مکان در توریستان ایرانی دیده می شود. تجربه این سطح توریستان ایرانی را از سایر ملل متمایز می کند، این تجربه بیشتر ریشه در هویت ملی دارد.



اولین همایش سراسر مباحث کلیدی در کرگان، ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ مهندسی عمران، معماری و شهرسازی ایران

۶- فهرست منابع و مأخذ

پرتوی، پروین (۱۳۸۲)، مکان و بی مکانی، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۴، ص ۴۲.
دهخدا، علی اکبر (۹۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، جلد سیزدهم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
فلاح، محمدصادق (۱۳۸۴)، «نقش طرح کالبدی در حس مکان مسجد»، مجله هنرهای زیبا، تهران، شماره ۲۲، صفحات ۴۲-۳۵

فلاح، محمدصادق (۱۳۸۴)، مفهوم حس مکان، مجله هنرهای زیبا، تهران، شماره ۲۶، صفحات ۵۸-۶۲
لینچ، کوین (۱۳۷۶)، «تئوری شکل خوب شهر»، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
لینچ، کوین (۱۳۷۶)، سیمای شهر، ترجمه مزینی، انتشارات دانشگاه ملی ایران، تهران.
نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۲)، معماری: معنا و مکان، ترجمه برازجانی، انتشارات جان جهان، تهران
نوربرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۲)، روح مکان به سوی پدیدارشناسی معماری، ترجمه محمد رضا شیرازی.
هنر فر لطف الله (۱۳۴۴)، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، انتشارات بینا، اصفهان.

Brinckerhoff, Jackson John (1994), "A Sense of Place, A Sense of Time", Yale University Press, New Haven and London.

Cross, Jennifer E. (2001), "What is Sense of Place", Research on Place & Space
Hummon, David (1992), "Community Attachment: Local Sentiment & Sense of Place", Plenum, New York.

Norberg-Schulz, Christan (1997), "The Phenomenon of Place", Princeton Architectural Press, New York.

Relph, E. (1976), "Place and Placelessness", Pion, London.

Seamon, David (1982), "The Phenomenological Contribution to Environmental Psychology", Journal of environmental psychology, no. 2, pp. 119-140.